

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۷

سونامی تجاوز و قتل کودکان در جمهوری اسلامی باز هم قربانی گرفت



تجاوز و قتل آتنا، ملیکا و ستایش و اهورا تنها مواردی هستند که رسانه ئی شده اند و آمارهای واقعی این حوادث در پرده ای از ابهام قرار دارد. این وقایع تلخ هم در کانون خانواده و هم محیط های آموزشی و مدارس به وفور روی می دهد. موارد بسیاری از تجاوز و آزار جنسی دانش آموزان در مدارس گزارش و رسانه ئی شده است و در بسیاری موارد دیگر خانواده ها برای حفظ آبرو! یا از شرم! سکوت می کنند. بدین ترتیب کودکان هم در صف کار خیابانی و کارگاه ها و هم در صحن و محیط های خانوادگی و آموزشی بزرگترین قربانیان پدیده هولناک آزار جنسی و تجاوز و قتل و خشونت هستند.

هنوز ماجرای قتل آتنا، ملیکا و ستایش نازنین پس از تجاوز و آزار جنسی از صفحه رسانه ها پاک نشده که خیر هولناک و دردآور تجاوز ناپذیری به کودک دوسال و نیمه رشتی منتشر شده است. اهورای کوچولو توسط ناپذیری پس از تجاوز به قتل می رسد. صدای گریه و فریاد او را همسایگان می شنوند و سراسیمه مأموران انتظامی را مطلع می کنند. خونریزی شدید او سهمش را از زندگی ربود و در بیمارستان جان داد. ناپذیری اعتراف کرد و دلی پر درد برای همگان باقی گذاشت. جمهوری اسلامی نهالی را که با فرهنگ ارتجاعی و مذهبی خود که از ابتدای روی کار آمدنش با قوانین الهی! و فتاوی آیت الله هایش کاشت، امروزه با این جنایات و فجایع پی در پی اتفاقیه بارور کرده است. نهادهای رژیم که به مقوله آسبب ها و ناهنجاری های اجتماعی و به ویژه در

عرصه کودک آزاری بی توجه بوده و هستند اصولی چند را برای مقابله با آن که عمدتاً پاک کردن صورت مسئله بوده است به کار می گیرند.

اصل بی تفاوتی و اختفای اخبار و گزارشات جنائی که هر روزه اتفاق می افتند و در پرونده های پولیسی و انتظامی ثبت می شوند اما از رسانه ئی شدن آنها پیشگیری می شود مگر آن که افکار عمومی و انسانی آن را به طور وسیع رسانه ئی کنند و اعتراضی گسترده نیز صورت گرفته باشد. پرونده سعید طوسی قاری ویژه رهبری نیز یکی از مواردی است که می توان ناشی از فشار افکار عمومی برای افشای آن دانست.

اصل پاک کردن صورت مسئله با اعدام عوامل این جنایات و بخشی در ملاء عام و چنانچه این شیوه مجازات قرون وسطائی و خود خشونت پرور مؤثر می افتاد می بایستی امروز سیر نزولی این اتفاقات وحشتناک را شاهد می بودیم حال آن که با نگاهی آماری می توان گفت که خلاف آن واقع شده است. اصل ایجاد وحشت و رعب عمومی بدینوسیله قاعدتاً و پس از تکرار مکرر مواردی اینچنینی موضوعیت خود را از دست داده است.

فساد بیداد می کند و اصل و کانون خانواده مورد هجوم سرمایه داری هار و سودجویی طیف فقهی حاکم قرار گرفته است. رشد فقر و بیکاری و اعتیاد انفجاری است. آقازاده ها در دزدی و اختلاس اموال عمومی و منابع مالی ملی از یک دیگر سبقت می گیرند و تورم و بحران مرزی نمی شناسد. مذهب و قوانین ارتجاعی فقهی بنیان های آموزشی کشور را آلوده کرده اند و خشونت زائی و خشونت پروری پیشه حکومتیان و دست اندرکاران آنها شده است. آموزش های ضروری جنسی و روانشناختی یا در مخیله حکومتیان نمی گنجد و یا از لابه لای رساله های قرون وسطائی فقها و مراجع مذهبی بیرون کشیده می شود.

شکی نیست که عامل تجاوز به اهورای کوچولو جنایتکار است. هیچگ ونه دلیل و برهانی تجاوز و قتل این کودکان نازنین را توجیه نمی کند اما بایستی داد کشید و جار زد که حاکمان اسلامی شریک مستقیم این جنایتکاران هستند و با رفتار خود و ایجاد محیط های مساعد برای پرورش آنها و دست در دست آنها در این جنایات سهیم اند.

در فضاء و مناسباتی که هر گونه ارتباطی میان نوجوانان دختر و پسر غیر شرعی و غیر قانونی محسوب می شود، وقتی که مأموران انتظامی و ارشاد رژیم پی در پی متخلفان! را بازداشت و قوه قضائیه آنان را محکوم به شلاق می کند و هنگامی که حاکمان مکرراً به جای حل ناهنجاری های اجتماعی صورت مسئله را با مجازات اعدام پاک می کنند، زمانی که شوهر دادن دختران نوجوان شرعی و قانونی است، در شرایطی که نهادهای حراستی رژیم در مدارس و دانشگاه ها از ارتباط آزادانه دختران و پسران جلوگیری می کنند و نشست و برخاست ارادی و آگاهانه آنها بنیان های حکومت اسلامی شان را با خطر جدی مواجه می کند از سوی دیگر هیچ گونه حراستی از این کودکان مقتول و سایر آنها که فراوان مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند، نمی کند. بدین شکل همواره شاهد سیر صعودی این جنایات خواهیم بود.

تجاوز و قتل اتنا، ملیکا و ستایش و اهورا تنها مواردی هستند که رسانه ئی شده اند و آمارهای واقعی این حوادث در پرده ای از ابهام قرار دارد. این وقایع تلخ هم در کانون خانواده و هم محیط های آموزشی و مدارس به وفور روی می دهد. موارد بسیاری از تجاوز و آزار جنسی دانش آموزان در مدارس گزارش و رسانه ئی شده است و در بسیاری موارد دیگر خانواده ها برای حفظ آبرو! یا از شرم! سکوت می کنند. بدین ترتیب کودکان هم در صف کار خیابانی و کارگاه ها و هم در صحن و محیط های خانوادگی و آموزشی بزرگترین قربانیان پدیده هولناک آزار جنسی و تجاوز و قتل و خشونت هستند.

۲۰۱۷/۱۰/۱۹